

حج، سلوک قرآنی، همکاری اسلامی و حمایت از فلسطین مظلوم

۳۰

ماہنامہ فرهنگی

پیراغراہ

فروردین ۱۴۰۳ ه.ش، شوال ۱۴۴۶ ه.ق

در این شماره می خوانید:

- ۲ | به گوش و چشمتان خیانت نکنید
- ۳ | عدم تقاضای یک لیوان آب
- ۴ | روشنگری، جهاد است
- ۵ | شلم شوربای شهید مدنی
- ۶ | به حب و بغض او دهد، ثواب را، عقاب را
- ۸ | قطره‌ای از دریای نهج البلاغه
- ۹ | حج و غفلت زدایی
- ۱۰ | پاداش زیارت امیر مؤمنان علیه السلام
- ۱۱ | احکام



حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
معاونت فرهنگی
مدیریت امور آموزشی و فرهنگی

یک دقیقه با قرآن



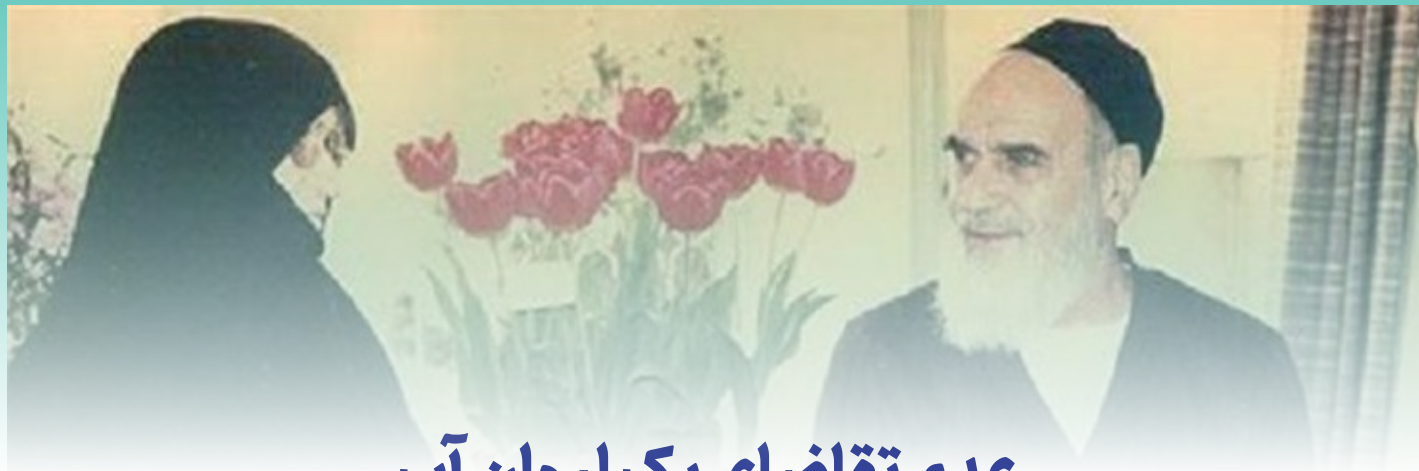
به گوش و چشمتان خیانت نکنید

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا

أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» سوره انفال، آیه ۲۷

مالک چشم خداست، مالک گوش خداست؛ پس خدا چشم و گوش را تمليك انسان نکرده، تفویض نکرده تا ما بگوییم گوش مال خودمان است هر چه را خواستیم گوش بدهیم، چشم برای خودمان است هر چه را خواستیم نگاه کنیم. اینها امانت است؛ لذا فرمود خیانت نکنید! نه در مال مردم، نه در بیت المال، اینها که چیز روشنی است. فرمود به خودتان خیانت نکنید، به چشمتان خیانت نکنید، به گوشتان خیانت نکنید...

درس اخلاق، آیت الله جوادی آملی، ۱۳۹۴/۱۱/۲۹



عدم تقاضای یک لیوان آب

امام احترام فوق العاده‌ای برای خانم قائل بودند. یعنی اگر بگویم در طول شصت سال زندگی، زودتر از خانم دستشان توی سفره نرفت، دروغ نگفته‌ام. اگر بگویم کوچکترین توقعی از ایشان نداشتند، دروغ نگفته‌ام. حتی می‌توانم بگویم در طول شصت سال زندگی، هیچ وقت یک لیوان آب از خانم نخواستند. همیشه خودشان اقدام می‌کردند. اگر هم خودشان در شرایطی بودند که نمی‌توانستند، می‌گفتند: آب اینجا نیست؟ هیچ وقت نمی‌گفتند بلند شوید آب به من بدهید؛ نه تنها به خانم، حتی به ما که دخترهایشان بودیم؛ و اگر آقا آب می‌خواستند، همه با سر می‌دویدیم که آب بیاوریم؛ ولی هیچ وقت از ما نخواستند که یک لیوان آب به دستشان بدهیم. در شرایط سخت روزهای آخر، هر وقت چشم باز می‌کردند، اگر قادر به صحبت بودند، می‌گفتند: خانم چطورند؟ می‌گفتیم: خانم خوبند، بگویم بیایند پیش شما؟ می‌گفتند: نه، خانم کمرشان درد می‌کند، بگذارید استراحت کنند.

صدیقه مصطفوی: دختر امام، پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۹۲.

جهاد تبیین



روشنگری، جهاد است

آنچه وظیفه‌ی همه‌ی ملت اسلام و همه‌ی امت اسلام است، مبارزه برای روشنگری است؛ این در درجه‌ی اوّل. هم علما مسئولند، هم روشنفکران مسئولند، هم تحصیل‌کرده‌ها مسئولند، هم همه‌ی کسانی که منبری دارند، تریبونی دارند مسئولند که روشنگری کنند و حقایق دنیای اسلام را برای مردمی که نمیدانند بیان کنند؛ این روشنگری جهاد است. جهاد فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردن در میدان قتال نیست؛ جهاد شامل جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی، و جهاد مالی است. امروز به خاطر اینکه این فریضه را - فریضه‌ی تبیین را - ما درست انجام ندادیم، یک عده‌ای دچار گمراهی‌اند.

بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۲/۲۹

شلم شوربای شهید مدنی

سر سفره یکی از معتمدین شهر تبریز دعوت شده بود. شهید آیت الله مدنی را می‌گویم. غذا چلو کباب بود و آش و ماست و سالاد و سایر مخلفات... شهید مدنی هم کمی برنج کشید و مقداری کباب گذاشت. همه مشغول خوردن شدند ولی من که کنار آن شهید بزرگوار نشسته بودم می‌شنیدم که زیر زبانی می‌گفت: ای نفس! پدرت را در می‌آورم. خیلی داری دست و پا می‌زنی لذت این برنج و کباب را بچشی! اما نمی‌گذارم. آنگاه یک ملاقه آش ریخت روی برنج و کباب و کاسه ماست را هم خالی کرد روی آنها. شلم شوربایی شده بود دیدنی. همه را مخلوط کرد و شروع کرد به خوردن که مبادا نفسش به خواسته خود برسد.

سید اسدالله، خاطراتی از شهید سید اسدالله مدنی،

علی اکبری، ص ۱۳۵

به حب و بغض او دهد، ثواب را، عقاب را

من ار به قبله رو کنم، نظر به سوی او کنم
اقامه صلوه را به گفتگوی او کنم
گر از وطن سفر کنم، سفر به سوی او کنم
ز حج بیت بگذرم، طواف کوی او کنم
کز احترام مولدش، حرم شده است محترم

الا که رحمت آیتی ز رحمت علی بود
همه کتاب انبیا، حکایت علی بود
بهشت و هر چه اندر او عنایت علی بود
اجل نعمت خدا، ولایت علی بود
در این ولا بگو نعم، که هست اعظم نعم

شهی که از لسان او خدا کند خطاب را
به حکم او به پا کند قیامت و حساب را
به حب و بغض او دهد، ثواب را، عقاب را

منزه است از آنکه من بخوانم آن جناب را
خدیو دولت عرب، امیر کشور عجم

خدای وهم خویش را نه را کعم، نه ساجدم
محاط فهم خویش را، نه عابدم نه حامدم
در این عقیده و گمان نه مفتیم نه زاهدم
خدای ظاهر از علی به باطن است شاهد
که من صمد ندیده ام، به جز عیان از این صنم

شهی که از علو شان، ثنای او خدا کند
دگر مدیح ذات او چگونه ماسوا کند
نمی توان به وصف او چو عقل دیده وا کند
سزد که او به نطق خود ثنای خود ادا کند
از آنکه سر ذات او، ز غیر اوست مکتتم

بهشت را بهشته ام، بهشت من علی بود
علیست آنکه از رخش بهشت منجلی بود
به غیر دیده داشتن، نشان احوالی بود
کسیست عاشق ولی، که ناظر ولی بود
به دست دیگران دهد کلید گلشن ارم

...

فواد کرمانی

گزیده نامه ۳۱ نهج البلاغه

قطره‌ای از دریای نهج البلاغه

پسرم!

تو را از دنیا و حالتش، نیست شدن و دست به دست
گشتن‌اش، خبر کردم؛

از آخرت هم خبرت کردم؛ از آن چه که آن جا برای
اهلش آماده کرده‌اند.

برای هر دو جهان هم مثال‌هایی زدم؛ تا عبرت‌گیری
وقدم‌هایت را با توجه به آن برداری.

مردمی که دنیا را آزموده و شناخته‌اند، مثل
مسافرانی‌اند که از منزل‌گاهی بی‌آب و گیاه، عزم جایی
را کرده‌اند، وسیع و آباد.

آنان، رنج راه و دوری دوست، سختی سفر و غذای
ناگوار، همه را تاب می‌آورند؛

تا به خانه وسیع و منزل‌گاه امن و آرامشان برسند.

از این سختی‌ها، دردی احساس نمی‌کنند؛

هزینه‌های سفر را ضرر حساب نمی‌کنند؛

دوست داشتنی‌تر از آن چه به منزل و محله موعود،
نزدیکشان می‌کند، چیزی نیست

و مردمی که دنیا فریبشان داده، مثل مسافرانی‌اند
که از جایی وسیع و آباد، می‌روند به منزل‌گاهی بی‌آب
و گیاه؛

و برایشان ناخوشایندتر و دشوارتر از این کوچ، از این
رفتن به جانب ناآباد، چیزی نیست.

ترجمه فاطمه شهیدی

حج و غفلت زدایی

خودشناسی مقدمه خداشناسی است: «من عرف نفسه فقد عرف ربه». از جمله ویژگی‌های حج، فراهم ساختن زمینه برای خودشناسی است. انسان در زندگی خود معمولاً اسیر روزمرگی شده و به آنچه در اطراف او می‌گذرد عادت می‌کنند؛ از همین رو از حقایق و واقعیات دیگر حیات خود غافل می‌شود. گسستن او از شرایط روزمره، این موقعیت را برای انسان فراهم می‌سازد تا در خود و پیرامون خود ملاحظه‌ای داشته باشد و از غفلت خارج شود. مناسک حج از احرام تا تقصیر، بت‌های درون و بیرون را فرو می‌ریزد و قید تعلقات را می‌شکند.

مناسک حج از آغاز تا انجام برای ارتقای حج‌گزار به درجه تسلیم است. وادار کردن نفس به انجام اموری که برخلاف عادت انسان است (مانند کندن لباس‌های دوخته و زیبا و پوشیدن دو جامه ساده احرام و دوری از محرّمات احرام و...) و به جا آوردن کارهایی که نفس انسان از آن لذت نمی‌برد؛ بلکه چه بسا معنای آن را نمی‌داند (مانند سعی و هروله و...) روح تسلیم را در حاجی تقویت می‌کند. تسلیم را در یکایک مناسک حج می‌توان دید: از میقات تا احرام، از محرّمات احرام تا واجبات آن، از شرایط طواف تا مبطلات آن، از سعی تا تقصیر و... جملگی این فلسفه مهم را در خود دارند.

نکته های زیارت



پاداش زیارت امیر مؤمنان علیه السلام

ابو وهب بصری گوید: در مدینه خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و گفتم: «فدایتان شوم! خدمت رسیدم بی آنکه قبر امیر مؤمنان را زیارت کنم.» فرمود: «بدکاری کردی. اگر از پیروان ما نبودی، حتی نگاهت نمی‌کردم. آیا زیارت کسی را ترک کرده‌ای که خدای تعالی با فرشتگان خود، او را زیارت می‌کنند و پیامبران و مؤمنان زائر همیشه اویند؟» گفتم: «فدایتان شوم! نمی‌دانستم.» فرمود: «امیر مؤمنان علیه السلام نزد خداوند از همه پیشوایان معصوم برتر است و پاداش کارهای ایشان، از آن وی است و هر کدام از آنها، به قدر اعمالشان فضیلت و منزلت می‌یابند.»

کامل الزیارات، ص ۳۸



احکام

مسئله ۵: احرام از جده

آیا اگر شخصی بدون رفتن به میقات، به مکه رود، می‌تواند از جده یا هر کجا خارج حرم، مانند حدیبیه، محرم شود؟

۱. صحیح و مجزی نیست. (همه مراجع)

۲. صحیح است. (آیت الله زنجانی).